



هشدار درباره ۲ داروی چربی‌سوز

سازمان غذا و دارو دستور جمع‌آوری دو محصول چربی‌سوز و لاغری را از بازار به دلیل خطرات آنها صادر کرد. سازمان غذا و دارو اعلام کرد: «فراورده لاغری چربی‌سوز «جلیبک» و «ابلوری»، غیر مجاز بوده و دستور جمع‌آوری آنها صادر شده است. استفاده از فراورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل تقلبی و غیرمجاز، سلامتی افراد را به خطر انداخته و باتوجه به اهمیت موضوع، اداره کل فراورده‌های سنتی و مکمل دستور جمع‌آوری این فراورده‌های غیرمجاز را داده است.» سازمان غذا و دارو توصیه کرد که مردم برای حفظ سلامت خود و خانواده، فراورده‌های سلامت‌محور را از مراکز معتبر (داروخانه) تهیه و برای اطمینان از سلامت محصولات، اصالت آن را از سامانه‌ی تک‌تک‌ttac استعلام کنند.



بیمارستان بوعلی تخلیه شود

بنابر اعلام عضو شورای شهر تهران، بیمارستان بوعلی تعدادی از ساختمان‌های بیمارستان امام خمینی باید تخلیه شوند. به گزارش شبکه شرق، رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران گفت: «بیمارستان بوعلی و تعدادی از ساختمان‌های بیمارستان امام خمینی، از لحاظ ایمنی سازه بسیار فرسوده و نایب هستند و باید تخلیه شوند.» مهدی بابایی با بیان اینکه تعدادی از بیمارستان‌ها در لیست ساختمان‌های بحرانی از لحاظ ایمنی حریق بودند، ادامه داد: «مناطق شهرداری به‌طور ویژه بگیر شرایط این ساختمان‌ها هستند و در همین راستا بیمارستان لولاگر جهت انجام فرایند نوسازی تخلیه شده است.» او بابایی اینکه بیمارستان‌هایی که در رده‌های دیگر بودند، آنچنان که باید و شاید مورد پیگیری قرار نگرفتند، گفت: «این بیمارستان‌ها به‌برنده قضائی مجزائیز دارند. برای مثال در بیمارستان شرعیتی برنده قضائی مجزا تشکیل نشده بود. اختراهای لازم داده شده، اما باید برای تکنک ساختمان‌های حیاتی که در لیست ساختمان‌های نایب شامل پرخطر، میان‌خطرو کم‌خطر هستند و مالک و مدیریت مجموعه توجه لازم را به‌خطرات نداشتند، برنده تشکیل شود.»



غرق شدگی، عامل مرگ‌های قابل پیشگیری

رئیس مرکز مدیریت شبکه وزارت بهداشت با بیان اینکه غرق‌شدگی عامل بیش از ۲/۵ میلیون مرگ قابل پیشگیری در ۱۰ سال اخیر در دنیا است، گفت که غرق‌شدگی و مرگ‌ومیرهای ناشی از آن به سادگی قابل پیشگیری است. عباس علیپور با بیان اینکه براساس گزارش ۲۰۲۴ سازمان جهانی بهداشت، غرق‌شدگی عامل تعداد زیادی مرگ قابل پیشگیری در دنیا است، گفت: «طبق این گزارش، ۲۳۵ هزار و ۶۰۰ نفر بر اثر غرق‌شدگی در سال ۲۰۱۹ جان خود را از دست دادند. به‌عبارت‌دیگر تقریباً ۶۲۵ مرگ بر اثر غرق‌شدگی در هر روز و ۲۴ مرگ در هر ساعت در جهان رخ می‌دهد.» او غرق‌شدگی را یکی از ۱۰ علت اصلی مرگ‌ومیر در افراد گروه سنی کمتر از ۲۴ سال در دنیا دانست و گفت: «در گزارش سازمان جهانی بهداشت تاکید شده که ۹۰ درصد مرگ‌ومیرهای دنیا ناشی از غرق‌شدگی در سال ۲۰۱۹، در کشورهای با درآمد پایین و متوسط و در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، چاه‌ها، مخازن ذخیره آب خانگی و استخرهای شنا رخ داده است. بالاترین میزان غرق‌شدگی در دنیا بین گروه‌های سنی افراد یک تا ۹ ساله بوده که نیاز به طراحی مداخلات مؤثر از سنین پایین باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.»

وقتی درباره دهه هشتادی‌ها صحبت می‌کنیم متوجه می‌شویم که نگاه رسمی و آکادمی، نگاه طراست، من کلمه نوجوان را در تعدادی از پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی بررسی کردم و متوجه شدم که این موضوع بیشتر از منظر روان‌شناسی، علوم تربیتی و بیولوژی مطرح شده، نه از منظر جامعه‌شناسی. در بیش از ۹۰ درصد این مقالات، نوجوانی به‌صورت یک مشکل در نظر گرفته می‌شود. نام یکی از این مقاله‌ها ختنی‌سازی نوجوانان بود که می‌توان آن را چکیده نگاه آکادمی و حکومت در ایران در نظر گرفت؛ یعنی نوجوانی به‌مثابه یک مین است که باید ختنی و مهار شود.» او ادامه داد: «وقتی این نگاه در نظر گرفته شود، یعنی از همان ابتدا بخش بزرگی از جامعه طرد شده است. نوجوانی دوره‌ای است که رسک‌پذیری و لذت‌طلبی در آن بالاست، در گذشته هم برای عبور از دوره کودکی به نوجوانی، مناسک گذار داشتیم که همین خطرات برای آن تعریف و کنترل می‌شد.» سیدآبادی حضور نوجوانان در جنبش ۱۴۰۱ را واکنش آنها به این تلقی از نسل خودشان دانست: «اگر به دهه ۶۰ برگردیم، می‌بینیم که خانواده و حکومت با هم علیه نوجوانی همدست بودند و می‌خواستند نوجوان را کنترل کنند، اما حالا خانواده ایرانی تغییر کرده است. پژوهش‌های اجتماعی و پیمایش‌ها نشان می‌دهند که خانواده ایرانی نسبت به گذشته، مدنی‌تر و دموکراتیک‌تر شده است و در خانواده صدای بچه‌ها شنیده می‌شود.» او در ادامه از افزایش حمایتگری در خانواده‌های ایرانی هم گفت: «سال ۱۳۹۹ پیمایشی از سوسی‌پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری یونیسف به‌نام «اینترنت و کودکان» انجام شد که نتایج آن نشان از حامی‌بودن خانواده‌های ایرانی می‌داد. این موضوع یکی از تفاوت‌های نوجوانان ایرانی با کشورهای دیگر است. در ایران وقتی یک نوجوان خانواده خود را توصیف می‌کند، با عنوان حامی، پشتیبان، مهربان، دلسوز و... از آنها یاد می‌کند. همین موضوع باعث شده که تحولات بعد از سال ۱۴۰۱، از الزامات نسلی ندانیم.» سیدآبادی ادامه داد:

«نوجوان توانسته است سهم خود را در خانواده بگیرد و اثرگذار است و حالا می‌خواهد در خیابان هم صدای خود را داشته باشد و سهم خود را از خیابان و مدرسه پس بگیرد اما نهاد‌های رسمی، دولت و مقررات مانع آن هستند. در آموزش و پرورش ما هنوز معلم کسی است که در یک صندلی بالاتر قرار گرفته و تقریباً خدای کلاس است، اما حتماً دانش‌آموزان در یکی، دو سوره‌شده از او بیشتر می‌دانند.» او درباره پژوهشی درباره میزان علاقه نوجوانان به ایران هم گفت: «در یک پژوهش که با حضور ۲۵۰ نوجوان در سراسر ایران انجام شد، ۴۱ درصد از آنها گفتند که ایران را دوست دارند، ۲۰ درصد گفتند تقریباً دوست دارند، ۲/۸ درصد با املاگرهایی گفتند که ایران را دوست دارند و ۲۴ درصد هم گفتند که ایران را دوست ندارند.» این پژوهشگر کودک و نوجوان درباره دلایل نوجوانانی که اعلام کردند به ایران علاقه دارند هم توضیح داد و گفت: «طبیعت ایران یکی از دلایلی است که نوجوانان به ایران علاقه دارند. در کنار آن به غذاهای خوشمزه و در نظر گرفتن ایران به‌عنوان خید خود هم اشاره کردند. در کشورهای دیگر وقتی از نوجوان پرسیده می‌شود که مشکل خود را ابتدا به چه کسی می‌گویند؟ پاسخ داده می‌شود که اول مشکل را با دوستان مان مطرح می‌کنیم، اما در ایران نوجوانان پاسخ دادند که ابتدا مشکل خود را به خانواده، بعد به خواهر و برادر و بعد به دوستان‌شان می‌گویند. گذشته و باشکوه‌بودن ایران و دانشمندان ایرانی هم از دلایلی بودند که این نوجوانان به‌عنوان دلیل علاقه خود به ایران اعلام کردند.» سیدآبادی توضیح داد که بخشی از دلایل علاقه نداشتن گروهی از نوجوانان به ایران، شرایطی است که امکان تغییر دارد: «مواردی مانند محدودیت و نبود آزادی، نحوه اداره کشور، انواع تبعیض‌ها، گرانی، فقر و... بخشی از دلایل نوجوانانی بود که اعلام کردند به ایران علاقه ندارند. در مجموع دختران نوجوان نسبت به پسران نوجوان، ناراضی‌تر بودند. من از آنها پرسیدم امکان پیشرفت برای ایران قائلید؟ پاسخ دادند که این موضوع در صورتی محقق می‌شود که تغییر عمیق سیاسی، اصلاح قوانین و سیاست‌ها، آزادی پوشش و سبک زندگی و پیشرفت اقتصادی و نبود فقر رخ دهد و به محیط زیست توجه شود.» سیدآبادی اضافه کرد که نوجوانان دهه هشتادی بیشتر از نسل قبل از خود ایران را دوست دارند، اما به بخشی از آن علاقه دارند که شاید برای ما اهمیت‌نداشته باشد: «همیشه پایه‌ی تعریف هویت‌های ملی‌زبان، نژاد، خون، مذهب، فرهنگ و... است. حالا این پرسش مطرح می‌شود که ایران را چطور باید تعریف کنیم که کسی از آن طرد نشود؟ یا توجه به گفت‌وگو‌هایی که با این نوجوانان انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که باید به این تعریف رسید که هرکسی در این سرزمین زندگی می‌کند، باید در این دایره در نظر گرفته شود؛ این تعریف دهه هشتادی‌ها را هم در برمی‌گیرد و هیچ تعارضی با کسی ندارد. در تمام دنیا زمانی که از نوجوانان درباره هویت آنها پرسیده می‌شود، خودشان را با هویت‌های فردی معرفی می‌کنند. نوجوانانی که با آنها گفت‌وگو کردم هم در تعریف خود از ویژگی‌های فردی استفاده کردند. ما باید خودمان را برای تعریف متکثرتری از ایران آماده کنیم که ممکن است خودمان متوجه نشویم، ولی وجود دارند.»

جدی دارد. در گروه ۱۵ تا ۳۰ سال این رقم تا مرز ۹۶ درصد هم می‌رسد. بعد از انقلاب ارتباطی، بروز و ظهور شبکه‌های اجتماعی به‌تعالی بخش اندیشه صلح‌دوستی بشر تبدیل شد؛ چون دو مفهوم در این شبکه‌ها نهاده شده است: گفت‌وگو و دیگری. پذیرش این دو امر در شبکه‌های اجتماعی به‌معنی بسترسازی برای بروز و ظهور اندیشه‌های سیاست‌دوستی است. این شبکه‌ها زبان مشترک دارند و گفت‌وگو در آن معنا دارد. در این شبکه‌ها همه یک امکان و یک فضا برای دسترسی و بیان دیدگاه‌های خود دارند و برابری فرصت‌هاست. دنیایی که در این شبکه‌ها شکل گرفته است، همان ایده‌آلی است که قرن‌هاست بشریت به دنبال آن است و همان بحث دگرخواهی است. اگر به دنبال نهادسازی و فرصت‌های تازه برای گفت‌وگو هستیم، می‌توانیم از این فضا استفاده کنیم. نقش دولت جدید در این محور هاست. تمرین گفت‌وگو و روداری در همین فضاهای مجازی شکل می‌گیرد.»

خطر مرجعیت رسانه در خارج از کشور

یکی دیگر از سخنرانان این نشست، **ماشالله شمس الواعظین، روزنامه‌نگار پیشکسوت و سردبیر روزنامه‌های جامعه، توس، نشاط و...** بود که در دهه ۷۰ منتشر می‌شد. او در سخنرانی‌اش درباره «صلح اجتماعی و مرجعیت رسانه‌ای در ایران» گفت که وقتی از مرجعیت صحبت می‌کنیم، منظور مرجعیت باورساز است که نفوذ کلام دارد و در نهایت تبدیل به یک باور می‌شود: «این مراجع شامل طبقه نخبه، احزاب سیاسی، تشکل‌ها و علوم گوناگونند و در مرحله آخر رسانه قرار دارد. در هر مرجعیت‌ها، رسانه بخش فانتزی زندگی مردم را تشکیل می‌دهد. اهمیت رسانه زمانی خود را در زندگی انسان نشان می‌دهد که وارد حوزه منافع عمومی شود. حدود ۲۰ سال است که مرجعیت رسانه مانند مرجعیت اپوزیسیون به خارج از کشور منتقل شده است. از نکات طنزآلود این مرحله این است که تولید پیام در داخل صورت می‌گیرد، اما به خارج از ایران منتقل و فرآوری می‌شود و دریافت‌کنندگان پیام در ایران آن را به‌مثابه خبر دست اول دریافت می‌کنند و بعد به باور و اعتقاد تبدیل می‌شود.» او ادامه داد: «این موضوع از نظر منافع ملی خطرناک است، اما به آن توجهی نشده است. آنها احساس کردند مطبوعات داخلی به پایگاه دشمن تبدیل شده و باید آن را تخریب کرد و رسالت رسانه به رسانه ملی واگذار شد. صداسیما هم به‌شدت در دو دهه اخیر ناموفق بوده است. یکی از رؤسای سابق صداسیما در جلسه‌ای گفت که ما در قم یک رسانه شنیداری داریم که تعداد پرسنل آن از تعداد مخاطبانش بیشتر است. رسانه‌ای که می‌خواهد مرجعیت داشته باشد، باید اعتماد عمومی را جلب کند.» شمس الواعظین به یکی از گزارش‌های روزنامه جامعه در دهه ۷۰، درباره قول نعل احمد مصدق اشاره کرد و توضیح داد که چطور یک رسانه می‌تواند در شرایط حساس، اعتماد مخاطب را جلب کند: «بعد از گزارش روزنامه جامعه، این رویداد که ظرفیت سیاسی شدن داشت، در خاطر کسی نماند؛ چون گزارش مطابق واقعیت تهیه شده بود و روزنامه‌ای آن را تهیه کرد که مورد اعتماد مردم بود و نه پمپیلون تریاز داشت. اگر فرایند حوزه تولید پیام تا انتقال به مخاطب سالم‌سازی شود، مخاطب اعتماد مطلق پیدا می‌کند. اعتبار یک رسانه از ملاک‌های رسیدن آن به مرجعیت است و کار حرفه‌ای، اعتبار یک رسانه را افزایش می‌دهد.» رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران (تشکلی که ۱۵ سال است در محاق است) تاکید کرد که روزنامه‌نگار حق تبلیغ و برانداختن یک حکومت را ندارد: «با این حال روزنامه‌نگار نسبت به جانداختن رویکردهای حکومت در چارچوب قانون اساسی، حقوق بشر و مبارزه با فقر، جهالت، مسائل و ارزش‌های واحد بشری وظیفه دارد.» او درباره لزوم کنترت گرایی، تعدد رسانه‌ای و سهم بازار هم گفت: «وقتی می‌خواهید در بازار گرم رسانه جایگاه پیدا کنید، ناگزیرید مزیت‌هایی برای مخاطب‌سازی داشته باشید تا در نهایت به رسانه مرجع تبدیل شوید. بومی نبودن مرجعیت رسانه‌ای خطرآفرین است. علاوه بر این ساخت مخاطب در کشور و حضور تولیدکننده معرفت خارج از فضای بومی نیز به‌شدت خطرناک است.»

باین حال می‌شود مرجعیت رسانه‌ای را دوباره بومی‌سازی کرد. «شمس الواعظین به اصل نهم اخلاق بین‌المللی روزنامه‌نگاری هم اشاره کرد و آن را رویه‌ای برای فراگیرکردن پدیده صلح در جهان دانست: «تعهد اخلاقی به ارزش‌های عام انسانی، روزنامه‌نگار را به پرهیز از هرنوع توجیه و تحریک به جنگ‌های متجاوزانه و مسابقات تسلیحاتی ملزم می‌کند. علاوه بر این پرهیز از همه‌شکل‌های خشونت، نفرت‌تبعیض، سرکوبگری رژیم‌های استبدادی و استعمار، همچنین اطلاع‌رسانی درباره فقر، سوءتغذیه و... نیز باید در دستور کار روزنامه‌نگار قرار داده شود. با تعقیب این رویه است که روزنامه‌نگار می‌تواند به امحای جهل و سوءتفاهم میان انسان‌ها کمک کند.»

تعریف متکثر از علاقه به ایران

در ادامه این نشست **علی اصغر سیدآبادی، پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان**، در سخنرانی خود با موضوع «دهه هشتادی‌ها و صلح با طبیعت» درباره شرایط محقق شدن صلح توضیح داد و گفت: «صلح در شرایطی محقق می‌شود که حذف و طرد در میان نباشد.»



مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس، کار دولت بعدی تولید ساختارهای مرزی، پیوندها و حلقه‌های وصل به‌شکل ساختارمند و توسعه این ساختارهای صلح‌ساز در جامعه است. بیابید این نهاد‌های مرزی را ایجاد و اثربخش کنید

مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس به‌عنوان یکی دیگر از میهمانان این مراسم، در سخنرانی خود با تمرکز ایده کنشگران مرزی و گفتن صلح اجتماعی و سیاسی، تاکید کرد که ما هم به عاملان صلح نیاز داریم، هم به ساختارهای آن و کنشگران مرزی می‌توانند به‌عنوان کارگزاران صلح، عاملان صلح‌ساز و منادیان صلح اجتماعی باشند. او درباره ساختارهای صلحی که جامعه ایرانی به آن نیاز دارد، توضیح داد و گفت: «در کنش مرزی، یک فرض «در میان بودگی» است. حقیقت در میان دولت و جامعه تعریف می‌شود. مصلحت عمومی نیز در میان است و این تردها در میان جامعه و دولت است که می‌توانند وصل ایجاد و حقیقت و مصلحت را تعریف کنند. این رویه می‌تواند به توسعه پایدار کشور کمک کند و هزینه تغییرات را کاهش دهد. به‌نظر می‌رسد صفا‌آرایی‌های مکرر قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها به خرج مردم و ایران، بسیار کسالت‌بار شده است. باید از این جنگ قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها عبور کنیم و به سیاست‌دوستی و گفت‌وگو برگردیم. با وجود اختلاف‌نظرها توافق کنیم و با وجود توافق خود، همچنان دیدگاه‌های متکثر را هم دنبال کنیم.»



زهر نژادبهرام، دانش‌آموخته علوم سیاسی و مدرس دانشگاه بعد از انقلاب ارتباطی، بروز و ظهور شبکه‌های اجتماعی به تعالی بخش‌اندیشه صلح‌دوستی بشر تبدیل شد؛ چون دو مفهوم در این شبکه‌ها نهاده شده است؛ گفت‌وگو و دیگری. پذیرش این دو امر در شبکه‌های اجتماعی به‌معنی بسترسازی برای بروز و ظهور اندیشه‌های سیاست‌دوستی است. این شبکه‌ها زبان مشترک دارند و گفت‌وگو در آن معنا دارد

فراستخواه یکی از مجراهای این موضوع را فضاهای مرزی خواند و گفت: «این فضاهای مرزی، عاملان اجتماعی معمولی‌اند که می‌توانند در این فضاهای مرزی و تردها و گفت‌وگو‌ها برای این جامعه خسته امکان‌سازی‌های تازه‌ای انجام دهند. شاید گفته شود بخشی از عادات سیاست‌ورزی در سرزمین ماریشه‌ها هیجانی و منفعتی دارد و عقده‌گشایی‌ها، ایدئولوژی‌های نفرت، دگرساز و طردساز، خود و دیگری کنند، منافع و رانت‌ها این سیاست‌خمصمانه ایجاد می‌کند، اما به‌نظر می‌رسد بزرگی از این قضیه مربوط به خطاهای شناختی است. در چند دهه اخیر مطالعات میدانی گسترده‌ای انجام شده که نتیجه آن نشان می‌دهد، بخش زیادی از مشکلات بشر شناختی است و فقط هیجانی نیست، در نهایت نوعی جهل ایجاد می‌کند که با آن برای خودمان مشکل ایجاد می‌کنیم. همین تداعی‌ها و شهودها در فضاهای عمومی و شبکه‌های اجتماعی بازتولید می‌شود و رواج پیدا می‌کند و مبنای عمل نسلی برای جنگیدن می‌شود.» او ادامه داد: «همین رویه باعث ایجاد توهمی است که سبب می‌شود منتظر سوارانی تازه باشیم تا کار حکمرانی را بگیرد و دموکراسی موعود پایان تاریخ را در این سرزمین نهای کند. این به‌مشکل جامعه ما تبدیل شده، اما جوامع در حال توسعه نوپدیداری می‌شناسیم که از همان فضاهای میانی و ساختارهای صلح‌ساز و فضاهای آستانه‌ای هوشمندانه استفاده می‌کنند و کار توسعه سرزمین خود را پیش می‌برند.» این جامعه‌شناس این فضاهای مرزی را نهاد‌های حرفه‌ای، صنفی، اختیارات محلی، نهاد‌های مدنی، حزبی و رسانه‌ای، انجمن‌های علمی و نهاد‌های مشابه دیگر معرفی کرد و گفت: «کار دولت بعدی تولید ساختارهای مرزی، پیوندها و حلقه‌های وصل به‌شکل ساختارمند و توسعه این ساختارهای صلح‌ساز در جامعه است. بیابید این نهاد‌های مرزی را ایجاد و اثربخش کنید.»

زهر نژادبهرام، دانش‌آموخته علوم سیاسی و مدرس دانشگاه، سخنران دیگری بود که درباره شبکه‌های مجازی و گفتن صلح صحبت کرد. او با اشاره به نظریه کنشگران مرزی مقصود فراستخواه گفت: «نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند که دغدغه زندگی دارند و هر که این دغدغه را دارد، منادی صلح است. در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کم‌حضور یا کم‌آترند، چون فرصت لازم برای آنها نامین نمی‌شود. امروز شکل رسانه‌ها متفاوت شده و با دنیای جدیدی از رسانه‌ها روبه‌رو هستیم. شبکه‌های اجتماعی عینیت رسانه‌های نوین‌اند و کنشگران مرزی قوانین خاص خود را دارند. در حوزه شبکه‌های اجتماعی دارای راه و زبان مشترکند. این فرصت می‌تواند ظرفیت‌هایی که برای ایجاد صلح به آنها نیازمندیم را شکل دهد و بازتولید کند. شبکه‌های مجازی امروز با دنیای دیگری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.» او به تاثیر شبکه‌های اجتماعی در تصویر منتشرشده از حمله اسرائیل به غزه هم اشاره کرد و گفت: «در روزهای اول حمله اسرائیل، همه جریان رسانه‌های رسمی آنچنان گسترده و وسیع بود که تمام جهان در برابر این مسئله در حال واکنسینه کردن بود و موضوع نسل‌کشی را بسیار جاف‌فاده نشان می‌داد. اما تغییر می‌کند که شبکه‌های اجتماعی در رفتار مردم جهان ایجاد کرد باعث شد، در سراسر جهان در برابر حمله اسرائیل به غزه واکنش‌های مردمی را ببینیم. تعارض بین واکنش‌های مردمی و سیاست‌ها این حقیقت را نشان می‌دهد که عرصه شبکه‌های اجتماعی، عرصه گفت‌وگو و پذیرش دیگری و روداری است. نژادبهرام ادامه داد: «زئیدیک پنج میلیارد از جمعیت و در کشور ما هم بیش از ۸۰ درصد جمعیت زمین، حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی‌اند. این آمار معنایی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک شهری

آگهی فقدان سند مالکیت

نام: **وحید ندیروندکار** / رقلعه - به آدرس: **شهرری**

با تسلیم دو برگ استنهاد مصدق به شماره ۶۸۷/۱۷-۱۶/۴۱۴۰۳/۴ دفتر ۴ تهران به شرح وارده به شماره ۴۰۱۲۸۴۳ مورخ ۱۷/۰۴/۱۴۰۳ اعلام نموده سند مالکیت یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کابری به پلاک ثبتی ۸۳۶۷/۴ فرعی از ۱۱۵/۱ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۳۱۲/۱ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۲ و واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۲ حوزه ثبت ملک شهری استان تهران به مساحت ۳۷/۱۳ مترمربع مشخصات مالکیت: مالکیت/ **وحید ندیروند کار** / رقلعه فرزند عشقلی شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مسند مالکیت ۱۵۶۰۲ تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۳ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چارچ ۳۸۷۴۷۱ سری الف سال ۸۹ که در صفحه ۱۳۱ دفتر املاک جلد ۲۳۸۱ ذیل شماره ۵۶۷۹۲۷ ثبت گردیده است، محدودیت: دفتر املاک: رهنی شماره ۱۵۶۰۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۳ که به نفع بانک مسکن ثبت شده مشارکت مدنی شماره ۱۳۷۷۴ مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۲۳ که به نفع بانک مسکن ثبت شده که به علت جایه‌جایی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است، لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به مناقضی تسلیم خواهد کرد.

گیرندگان رونوشت: ۱- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان ۲- جهت اطلاع به ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره)

سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری - از طرف محمدجعفر علی

م الف: ۴۲۳